



یکشنبه 08 آذر 1394 - 07:24

## **بلوف سربازگیری در اردوگاه آشفته اصلاحات**

در حالی که دبیر کل کارگزاران مدعی سربازگیری(!) از رقیب برای اصلاح‌طلبان است، مشاور رئیس دولت اصلاحات تصریح کرد...

گزارش خبری تحلیلی کیهان

### **بلوف سربازگیری در اردوگاه آشفته اصلاحات**

در حالی که دبیر کل کارگزاران مدعی سربازگیری(!) از رقیب برای اصلاح‌طلبان است، مشاور رئیس دولت اصلاحات تصریح کرد بعد از 18 سال، اصلاح‌طلبی هنوز تعریف نشده و از آشفتگی و بی‌سرو سامانی رنج می‌برد. محمدرضا تاجیک همچنین می‌گوید «اگر فضای انتقادی با روحانی را حفظ نکنیم، حتماً شکست وی شکست اصلاح‌طلبان محسوب خواهد بود». غلامحسین کرباسچی در مصاحبه با روزنامه شرق گفته است باید از طرف مقابل سربازگیری و یارگیری کنیم. وی خواستار انتخاب مجلس همسو با دولت شد و این در حالی است که چند ماه پیش تصریح کرده بود برای آینده دولت و ناکارآمدی و بی‌تدبیری آن نگران است.

کرباسچی گفته است «ما یک مجلس حداقلی می‌خواهیم» و «ما بعد از پیروزی در انتخابات 92 روش نامعقولی به کار نرفتیم. برای همین دولت از طرف مقابل یارگیری کرده است. در سیاست خارجی و برجام، خیلی از دوستانی که در انتخابات، مقابل روحانی یا رقیب او بودند، الان به نوعی حامی هستند. شاید به برخی چیزها در جایی انتقاد داشته باشند. اما، در مجموع بازی طرفداران سیاسی دولت در گروه‌های سیاسی به واسطه همین سربازگیری از جبهه مقابل بوده که در مجلس هم همین اتفاق می‌تواند بیفتد.»

داعیه دبیرکل کارگزاران درباره سربازگیری از اصولگرایان در حالی است که حزب کارگزاران اخیراً شاهد ریزش برخی از ژنرال‌های خود بوده است. محمد هاشمی دبیر سیاسی این حزب چندی پیش در واکنش به اظهارات حسین مرعشی (مشهور به مرد شماره 2 کارگزاران) که گفته بود حزب کارگزاران حزبی است لیبرال دموکرات مسلمان، اعلام کرد که از این حزب خارج شده است. وی این موضع حزب کارگزاران را عدول از خط امام نامید.

سربازگیری کرباسچی از فعالان سیاسی در سال‌های گذشته گاه به فلاکت سیاسی آنان منتهی شده است. مهدی کروی نمونه روشنی در این زمینه است. وی در انتخابات ریاست جمهوری 1388 از هدایت و مشاوره غلامحسین کرباسچی برخوردار بود و در نهایت اعتبار گذشته‌اش هزینه جنجال‌طلبی‌های طراحی شده پس از انتخابات شد. دلواپس دولت ناگهان دل‌آرام شد!

در این حال به رغم لغزخوانی کنونی کرباسچی درباره سربازگیری از رقبا «به نفع دولت» وی اردیبهشت امسال در مصاحبه با روزنامه شرق، با ابراز نگرانی نسبت به ناکارآمدی‌های دولت گفته بود: «در شرایط تحریم نباید این گونه باشد که مسئولیت‌ها را از دوش خودمان برداریم و تا بگویند چرا فلان کار را نکردید، بگوییم تحریم هستیم! ... مثلاً اگر عملکرد وزارت راه را بخواهیم بررسی کنیم، بعضی از بخش‌ها را نباید به تحریم گره زد... دلمان باید برای اداره کشور شور بزند. نمی‌شود فلان وزیر یا مسئول فلان بخش باشیم اما استدلال ما این باشد که اگر بودجه دادند کار می‌کنیم و اگر ندادند کار نمی‌کنیم! من البته وزارت راه را مثال زدم اما بقیه وزارتخانه‌ها هم همین گونه است... بالاخره بعد از 60 سالگی سن بازنشستگی مدیران است... اینکه یک تعدادی آدم خسته و سالخورده بنشینیم و بلند شویم که نمی‌شود! اصلاً فرض کنید مناقشه هسته‌ای هم حل شد. بعد از آن چه؟ این بی‌حرکی‌ها آدم را برای دولت نگران می‌کند. چشم بر هم گذاشتیم نصف مهلت این دولت گذشت. وزرا و شخص رئیس جمهور باید فکر کنند... بالاخره هر وزیر و مدیری باید فکر کند اگر او نبود چه اتفاقی می‌افتاد، نباید که بی‌خاصیت باشد؟!»

روایت مشاور دولت اصلاحات

از بی‌سرو سامانی اصلاح‌طلبی

همزمان با اظهارات کرباسچی، محمدرضا تاجیک (مشاور خاتمی در دولت اصلاحات و رئیس مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری در آن دولت) درباره رنج‌هایی که اصلاحات می‌کشد، گفت: چیزی که ما خلأ آن را داریم و بن‌مایه رنج اصلاح‌طلبان

شده اینکه مانیفست یا گفتمان اصلاح طلبی تعریف شده نیست؛ چیزی که خیلی ابهام و ابهام دارد و تعریف و تصویب نشده است.

وقتی سخن از جامعه مدنی به عنوان یکی از اصول اصلاحات می‌کنیم برداشت‌های متفاوتی از جامعه مدنی مشاهده می‌کنیم. وقتی داریم از پیشرفت و توسعه سیاسی صحبت می‌کنیم نمی‌دانیم که دقیقاً از کدام مفهوم حرف می‌زنیم. تعاریف ما دقیقاً شکل نگرفته‌اند، بنابراین ما از یک گفتمان تعریف نشده و هنوز انضمامی نشده که حالتی انتزاعی دارد صحبت می‌کنیم و همین موضوع مصایب فراوانی را برای ما به همراه داشته است. بعد از 18 سال؟ بله. اگر شما جایی بخواهید به دنبال مانیفست اصلاح طلبی باشید که قبلاً تهیه شده باشد و بقیه زیر آن را امضا کرده باشند هرگز پیدا نمی‌کنید. وی در پاسخ این سؤال که «این مانیفست اگر منتشر شود چقدر نیروهای اصلاح طلب را غربال می‌کند؟» اظهار داشت: یکی از اصلی‌ترین مسائلی که در اصلاحات وجود دارد و مانع انتشار مانیفست اصلاحات شده همین است که نمی‌خواهد خیلی اهل غربال کردن باشد.

وی درباره انعطاف مدعیان اصلاح طلبی و عدم تمایل بر غربالگری می‌گوید: یک حزب یا جریان یا نظام اندیشه و گفتمان باید از نوعی میدان گفتمانی برخوردار باشد یعنی نمی‌تواند در هر لحظه همه چیز باشد. جایی باید تشخیص و هویت داشته باشد. یک جا باید کلامش منعقد شود و گزاره‌ای جدی بگوید. در غیر این صورت انسان‌ها نمی‌دانند با چه چیزی باید ارتباط برقرار کنند. جایی باید درون و برون ایجاد شود و خودی و دگر به وجود آید. در غیر این صورت افراد نمی‌توانند با معنای این جریان سیاسی ارتباط برقرار کنند. اصلاح طلبان هفتاد و دو ملت‌اند!

تاجیک درباره اینکه در حال حاضر خودی و غیر خودی جریان اصلاحات مشخص شده است؟ پاسخ منفی می‌دهد و می‌گوید: مرزبندی اتفاق نیفتاده است. به همین دلیل است که می‌بینیم به نام نامی اصلاح طلبی هفتاد و دو ملت وجود دارد و هفتاد و دو کنش و واکنش انجام می‌شود. همه فراز و فرودهایی که تجربه کردیم امروز به ما می‌گوید که جریان اصلی اصلاح طلبی باید مانیفست و گفتمانی داشته باشد. تا دیگران به نام اصلاح طلبی سخن نگویند. وقتی این اتفاق نیفتاده دیگر راه چاره‌ای باقی نمانده و باید هزینه هر گرایش و کنشی به نام اصلاحات را بپردازیم. از کسی که به نام اصلاح طلبی می‌رود و با فرح پهلوی ملاقات می‌کند تا کسی که با خارج از کشور می‌بندد، تا کسی که در پشت تریبون رسانه‌های خارجی می‌خواهد نظام را براندازی کند همه‌اش را می‌اندازند گردن اصلاح طلبان پس از ماست که برماست.

جریان اصلاحات نباید هزینه هر کسی و هر حرفی و هر کنشی را بدهد. هر چه سریع‌تر باید مشخص شود که مرزهای اصلاحات کجاست. هر کسی و جریانی که از این مرز عبور کند اصلاح طلب نیست. باید معلوم شود که اگر کسی از این مرز عبور کرد دیگر عبور کرده و نام او، اصلاح طلب نیست. اگر این مرزبندی مشخص شود هر کسی نمی‌تواند در واکنش به هر مسئله کوچکی به دامن رادیکال‌ترین اپوزیسیون خارج کشور پناه ببرد که اگر برد قبل از خروج از حاکمیت از اصلاحات خروج کرده است. اگر این شخصیت خط‌خطی و خدشه‌دار شود ما نمی‌توانیم با مردم رابطه برقرار کنیم. ما اول باید بگوییم چیستیم و کیستیم. نمی‌توانیم در عین حال همه کس و همه چیز باشیم.

مشاور رئیس دولت اصلاحات در ادامه و در پاسخ این پرسش که آیا فقدان مانیفست اصلاحات و تعیین مرزهای آن امروز به یک دغدغه عمومی در میان اصلاح طلبان تبدیل شده؟ می‌گوید: به هیچ عنوان این مسئله اصلاً دلمشغولی و دغدغه خیلی‌ها نیست. حتی کسانی که شکل حزبی می‌گیرند و احزابی که اخیراً به نام اصلاح طلبی متولد می‌شوند از خود مانیفستی ارائه نمی‌کنند تا ببینیم چیزی تعریف کرده‌اند و دقیقاً چیست، دگرشان کیست و فضای آنها چیست؟ فقدان این «نیست»‌ها هزینه‌هایی را به جریان اصلاحات وارد کرده و می‌کند.

تاجیک با اشاره به اینکه اصلاحات به خاطر همین مشکل کف رینگ افتاده، ادامه می‌دهد: دوش اصلاحات نباید برای سوار کردن هر کسی گشوده باشد. نباید جلوی هر کسی دولا شویم تا روی مان سوار شوند. روی دوش اصلاح طلبی نشستن مستلزم داشتن مقام و جایگاهی و منزلتی است؛ هر کسی نمی‌تواند سوار اصلاحات شود باید شرایطی را احراز کرده باشد. اما وقتی درها گشوده است و هر کسی سرک می‌کشد و پابرهنه وارد می‌شود و هر موقع هم دلش خواست خارج می‌شود همین می‌شود که امروز می‌بینیم.

اصلاح طلبان به سوی انشعاب و جدا شدن می‌روند

وی همچنین درباره تشکیل احزاب متعدد اصلاح طلب، از موافقت مشروط خود می‌گوید: من مخالفتی ندارم به شرط اینکه این احزاب تبدیل به دگرهم یا internal other هم نشوند و به جای همسویی و هم‌افزایی، همدیگر را خنثی نکنند. متأسفانه این اتفاق بعضاً در فضای اصلاح طلبی می‌افتد. من موافق تولد جریان‌ها و گروه‌های اصلاح طلبی‌ام اما به شرط آنکه این تکثر مبتنی بر نوعی بلوغ باشد نه مبتنی بر نوعی صغارت. گاهی تکثر از روی صغارت است و چون ما نمی‌توانیم همدیگر را بپذیریم باشیم رو به انشعاب و جدا شدن می‌رویم.

محمدرضا تاجیک به خاطر انتقاد از ترویج خشونت گفتمانی در میان اصلاح طلبان، با این پرسش مواجه می‌شود: «به نظر می‌رسد این پیام را می‌خواهید منتقل کنید که در دل بعضی کنشگران اصلاح طلب استالین‌های زیادی نهفته است؟» او در پاسخ می‌گوید: به این غلیظی نمی‌خواهم بگویم اما خسته و ملولم از کسانی که در فضای اصلاح طلبی ذهن‌های بسته اما دهان‌های گشاد دارند. برخی دوستان هستند که حرف‌هایشان را تحمل می‌کنم. به قول حافظ نه هر کو ورقی خواند معانی دانست هر کسی که چیزی راجع به اصلاحات شنیده و دو کلام ننوشته و جایی بحثی نداشته اما در موقعیتی خاص تصور

می‌کند که معانی می‌داند.

«اعتدال»، بازی زبانی در فضای اصلاح‌طلبی است!

وی در ادامه شعار اعتدال روحانی را خرده‌گفتمانی در دل گفتمان اصلاح‌طلبی توصیف کرد و آن را «یک بازی زبانی» در فضای زبانی اصلاحات خواند. تاجیک درباره نسبت اصلاح‌طلبان با دولت و روحانی و اینکه «ممکن است شکست روحانی شکست اصلاح‌طلبان باشد» می‌گوید: «اگر ما خودمان را در فضای آقای روحانی مستحیل کنیم و یک فاصله انتقادی را محو کنیم، حتماً این اتفاق خواهد افتاد. ما باز مشکلات و نارسایی‌ها و کژکاردها و کژمدیریتی‌ها را روی پیشانی اصلاح‌طلبی می‌چسبانیم. نمی‌توان به راحتی شکست جریان اعتدال را از جریان اصلاح‌طلبی جدا کرد. من این را نمی‌پسندم. جریان اصلاح‌طلبی از خود یک هویت دارد و این هویت را با فاصله انتقادی نسبت به جریانات دیگر مشخص می‌کند. این فاصله که محو شود «این همان» می‌شود وقتی این همان شدید، جزیی از آن هستید و هر ضربه‌ای بخورد به شما نیز می‌خورد. ما نباید چنین جفایی نسبت به جریان اصلاح‌طلبی کنیم.»

دولت روحانی شاید اولین دولت چهار ساله باشد

وی این را هم گفته که «اگر دولت نتواند مشکلات را در دوران پساتحریم حل کند، بعید نیست نخستین دولت 4 ساله در تاریخ سیاسی بعد از انقلاب باشد.»

گفتنی است مدعیان اصلاحات با بلوف سربازگیری از میان اصولگرایان از یکسو در پی سرپوش نهادن بر جبهه از هم گسیخته اصلاحات هستند و از سوی دیگر برای بدبین کردن اصولگرایان نسبت به برخی از افراد این جبهه تلاش می‌کنند.